



باب فروشان شیاد

مریم ماندگار

اشاره

ظاهر آراسته به لباس مقدس طلبگی، خود را آیت‌الله و نوۀ آیت‌الله العظمی بروجردی معرفی کرده بود تا از این راه توجه علاقه‌مندان آن بزرگوار را به خود معطوف کند؛ اما پس از دستگیری، سطح پایین علمی و نسب واقعی‌اش برملا شد. در نشست‌های بروجردی، اغلب، مخالفان جمهوری اسلامی و بعضاً تارکین نماز و دیگر تکالیف دینی شرکت می‌کرده‌اند. وی از پول صدقات، اتوبوس‌هایی تهیه و زمینه حضور چشمگیر جوانان در جلساتش را فراهم می‌کرد! این روحانی‌نمای ناآگاه، حتی از خواندن صحیح قرآن و مفاتیح ناتوان بوده و در فیلم‌های ویدیویی که از خود تهیه نموده، بیش‌تر دعاها را اشتباه قرائت کرده است!

بروجردی پس از دستگیری، خود را فریب‌خورده ضد انقلاب خارجی دانسته و تأکید نموده که نوری‌زاده در تماس‌های متعدد با وی، او را به استقامت تحریک کرده است. وی در اعتراف‌های خود همچنین اعلام کرده که ماهیانه بیش از ۵۰ میلیون تومان از این راه درآمد داشته است. ضمن این‌که در منزلش مقدار بسیاری دلار و یورو یافت شده است.^۱

با کمی تأمل در فعالیت‌های این شیاد عارف‌نما می‌توان به شگردهای ویژه این افراد در جذب جوانان به عرفان‌های دروغین پی‌برد. در این نوشتار سعی بر آن است تا جریان انحرافی این عارف‌نمایان و برخی از مهم‌ترین علل پیدایش و گسترش این مسیر دروغین روشن شود.

بسط عرفان‌های کاذب، از دیرباز، به موازات عرفان ناب اسلامی در جامعه ما گسترده شده و شیادان این طریق در دوره‌های گوناگون با ترفندهایی متفاوت به اغفال مردم همت گمارده‌اند. این مسأله، به ویژه در سال‌های اخیر، با پدیدار شدن مکتب‌های جعلی وارداتی و عناوین فریبنده، شکلی نو به خود گرفته و با سرسپردگی افرادی خام و ناآگاه، بازاری پررونق یافته است؛ به گونه‌ای که بیم آن می‌رود عرفان اصیل، جای خود را به عرفان دروغین دهد و معنویت‌گرایی پوشالی برگرفته از غرب، جوانان ما را به کلی از معنویت حقیقی بیگانه سازد.

در دو سه سال اخیر، گام‌هایی در راستای افشای باندهای شیادان عارف‌نما و شناساندن آنان به جامعه برداشته شده که لازم، اما ناکافی و غیر منسجم بوده است. با وجود این، یکی از گام‌های ضروری برای ریشه‌کنی کامل جلوه‌های عرفان‌های دروغین، بررسی عوامل مؤثر در رونق این اندیشه‌های انحرافی است. یکی از نمونه‌های بارز این عارف‌نمایان «سیدحسین کاظمینی بروجردی» است که مدتی پیش در دام عدالت گرفتار شد. این عارف‌نمای مریدپرور از پشتیبانی جدی و همه‌جانبه کشورهای خارجی برخوردار بوده است.

یک نمونه

وی با حمایت تبلیغاتی رسانه‌های خارج از کشور و با ادعای ارتباط با امام‌زمان (عج) و دادن اذکار عجیب و ادعای حل مشکلات مردم، مدت‌ها به فعالیت خود ادامه داد. این عارف‌نمای فریبکار با



نیاز جوان به ارضای گرایش‌های

فطری عرفانی

به ادعان معارف دینی و تجربه انسان‌های وارسته و بلندهمت، برخی گرایش‌های لطیف در وجود انسان نهفته است که شکوفایی و رشد آن‌ها به تلاش او بستگی دارد. «انسان احساس می‌کند گمشده‌ای دارد؛ ولی به درستی آن را نمی‌شناسد و نمی‌داند چیست، کیست و کجاست. نیازی را در خود احساس می‌کند؛ ولی به خوبی نمی‌داند به چه چیز و چه کس. این همان فطرت خداجویی است...»



عرفان‌های ساختگی استعمار، انسان فطرتاً طالب خدا را به ذکرهای دروغین می‌گمارد تا با سیاست و اجتماع بیگانه و از آن‌ها جدا باشد. در این دین و عرفان بدلی، جماعت روحانی، قشری معرفی می‌شوند که بویی از عرفان که روح دین است، مستحب مشغولند.

تقویت و ارضای این خواست نیز به حرکت و تلاش خود انسان بستگی دارد. در شرف، فضیلت و قدر و منزلت این میل همین بس که در واقع، بعثت انبیا و همه تلاش‌ها و کوشش‌های پیامبران و اوصیای ایشان، در نهایت به منظور بیدارکردن و به کمال و تعالی رساندن همین میل صورت گرفته است.^۲ بر این اساس گرایش‌های عرفانی، از بدیهیات فطری انسان است که بشر در پی ارضای آن بوده و با شنیدن ندای هر مدعی، لبیک‌گویان به سوی او می‌شتابند. در حالی که باید توجه نمود، به سبب حساسیت فوق‌العاده مسیر و مقصد عرفان، موانع فراوانی در راه سالک این طریق قرار دارد که با کوچک‌ترین لغزش، او را به بیراهه می‌کشاند و از هر طرف که رفته جز حیرت‌نم‌نیزود زینهار از این بیابان وین راه بی‌نهایت^۳ بنابراین نباید بدون انتخاب راهنما و مرشدی راستین، در مسیر ارضای این گرایش ذاتی گام نهاد؛ راهبری راه‌آشنا، لازم است تا خضر آسا، فرد را از تاریکی به روشنایی رهنمون باشد؛

طی این مرحله بی‌همراهی خضر مکن ظلمات است بترس از خطر گمراهی دانای درصیدگاه عشق بی‌رخصت‌مچین کز بهشت آدم به یک تقصیر بیرون می‌کنند^۴

ناآگاهی از عرفان ناب محمدی (ص)

برخی تصور می‌کنند که اسلام، برنامه‌ای مدون برای سیر و سلوک ندارد و مسلمانان، خود به طریق معرفت نفس پی‌برده‌اند، به این معنا که هر یک از مشایخ طریقت، آداب و رسومی را که صلاح

دانسته، در برنامه سیر و سلوک قرار داده و به مریدان خویش تفویض کرده است. این عده، دست هر بیگانه عارف‌نمایی را فشرده و سر در گرو اوامر او می‌نهند. حال آن‌که با کمی تأمل در رهنمودهای گهربار پیامبر گرامی (ص) و پیشوایان معصوم (ع) می‌توان به مضامین عمیق در زمینه سیر و سلوک‌های عرفانی دست یافت. این امر نشان‌دهنده پیشینه طولانی عرفان اسلامی است که شخصیت بزرگواری چون پیامبر اسلام (ص) در

والا ترین مرتبه آن قرار دارد. پس از آن حضرت در میان دوازده هزار صحابه، مولای متقیان علی (ع) از مقامات عرفانی و الایی برخوردار بودند. در پی شهادت آن حضرت نیز، امثال سلمان فارسی، اویس قرنی، کمیل بن زیاد و میثم تمار در رأس سلسله عرفا قرار داشتند.^۵ عرفان برخاسته از سیره نبوی و علوی در این حد پایان نیافته و در قرون بعد، امثال سیدعلی قاضی طباطبایی، حسینقلی همدانی، علامه طباطبایی و آیت‌الله بهاء الدینی در دامان این مکتب اصیل، پرورش یافته، به مقامات بلند عرفانی نائل آمدند. این سیره، تاکنون نیز ادامه داشته است و امروزه عارفان نامدار و گمنامی بر روی این کره خاکی حیات دارند.

حاصل سخن این‌که با وجود پیشینه دیرین عرفان ناب اسلامی، راه بر جویندگان عرفان راستین بسته نیست و کوتاهی از جوانان است که به جای شناخت مؤلفه‌های عرفان محمدی (ص) و تدبر در سیره برجستگان این طریقت، با چشمان بسته خود را تسلیم عرفان‌های بدلی می‌کنند. شیادان دین‌ساز و عارف‌نمایان دغل‌باز نیز با نشان دادن سراب‌های آب‌نمای عرفان، کام ایشان را به سیری کاذب می‌رسانند.

بر این اساس، کسانی که با تبلیغات گسترده، ادعای عرفان خود را در گوش جهان فریاد می‌کنند و می‌کوشند عواطف مردم و به ویژه جوانان را به خویش معطوف کنند، هیچ نسبتی با عرفای جام حق نوشیده ندارند.

انجام امور خارق العاده توسط عارف نمایان

برخی عارفان بدلی، به سبب توانایی در انجام امور خارق العاده، باعث جذب افراد به خود می‌شوند؛ غافل از این که برخی انسان‌ها در امور شگفت‌انگیزی که از ایشان سر می‌زند، دخیل نبوده و به صورت خدادادی، مشمول این توانایی شده‌اند؛ مثل آن‌که قدرت بینایی و شنوایی فرد از آغاز تولد بیش

از دیگران بوده و یا کودکی با داشتن هوش و استعداد فراوان، قادر به انجام کارهایی باشد که تنها از عهدۀ رایانه یا ماشین حساب‌های پیشرفته برمی‌آید. روشن است که داشتن این توانایی‌ها (که نظایر آن هر روزه در اخبار رسانه‌ها طرح می‌شود) دلیل بر کرامت فرد نیست. افزون بر قدرت‌های خدادادی، عده‌ای با تحمل ریاضت‌های سخت و تمرین‌های طاقت‌فرسا به توانایی‌هایی دست می‌یابند که از عهدۀ عموم مردم خارج است.

برخی دیگر با شیوه‌هایی مانند احضار روح و تسخیر جن، سعی در کسب اطلاعاتی از راه‌های غیرمتعارف دارند که انجام این امور، گاهی مستلزم ارتکاب کارهای خلاف شرع است؛ برای مثال، در مقابل توهین به مقدسات، قادر به برقراری ارتباط با جنیان و دریافت اطلاعاتی پیرامون مسائل گوناگون شوند.^۶

بی‌گمان، این‌گونه مسائل نشانه رسیدن به مقامات معنوی نیست؛ همان‌طور که برخی مرتاضان هندی، بر اثر تقویت روح قادر به انجام امور شگفت‌انگیز هستند، بی‌آن‌که به خدا و دینی معتقد باشند. تشخیص حق و باطل بودن این‌گونه خرق عادات، شناخت و بررسی عقاید صاحب خرق عادت

برخی دیگر با شیوه‌هایی مانند احضار روح و تسخیر جن، سعی در کسب اطلاعاتی از راه‌های غیرمتعارف دارند که انجام این امور، گاهی مستلزم ارتکاب کارهای خلاف شرع است؛ برای مثال، در مقابل توهین به مقدسات، قادر به برقراری ارتباط با جنیان و دریافت اطلاعاتی دربارهٔ مسائل گوناگون می‌شوند.

و تطبیق اعمال وی با شریعت را می‌طلبند. بنابر این با صرف مشاهده این‌گونه اعمال، نمی‌توان آن را مکاشفه و یا کرامت پنداشت و در پی صاحبان آن دویید.

توانایی عرفای بدلی در حل مشکلات مردم

بیش‌تر مردم در زندگی روزمره با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند و برای رفع آن‌ها به هر ابزاری متوسل می‌شوند. کافی است نقل زبان‌ها شود که در فلان محله، فردی عارف و دعانویس وجود دارد که می‌تواند مشکلات را حل کند. طی مدتی کوتاه، صف طولانی مردان و زنان و به‌ویژه دختران جوان در محل تشکیل می‌شود.

در حالی که براساس آنچه گفته شد، عده‌ای از این افراد از راه‌های غیر شرعی احضار روح و جن، قادر به گره‌گشایی از مشکلات و اطلاع‌رسانی هستند و به دروغ، خود را به سالک طریق سیر و سلوک عرفانی و صاحب مکاشفات نسبت می‌دهند.

این مدعیان دروغین، گاهی از برخی ذکرها و دعاهایی که در کتاب‌های ادعیه از پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در درمان بیماری‌ها و حل مشکلات نقل شده، بهره می‌برند؛ در حالی که عامه مردم آن را دعایی خودساخته توسط فرد و یا از الهام‌های غیبی به وی می‌پندارند و تنها به همین دلیل در زمرهٔ مریدان او قرار می‌گیرند.

برخی دیگر نیز برای رفع مشکلات مالی و فقر خویش به این مدعیان روی می‌آورند. عارف‌نمایان برای به دام انداختن این گروه هم دستمایه مناسبی دارند. «آنان با معرفی افراد فقیر به مریدان ثروتمند خود و حل مشکلات مالی و مادی ایشان، زمینه جذب این‌گونه افراد را فراهم می‌کنند.»^۷ این در حالی است که کتاب‌هایی مانند «مفاتیح الجنان» مرحوم شیخ عباس قمی که در دسترس عموم قرار دارند و حاوی ادعیه موثق و منقول از اهل بیت علیهم‌السلام برای درمان بیماری‌ها، تقویت حافظه، گسترش رزق، برآورده شدن حاجت‌ها و... هستند. و مگر نه این که پیامبران و پیشوایان معصوم، بهترین راهگشای حل مشکلات مردمند؟

تبلیغات گسترده عرفان‌های بدلی

تبلیغات پر زرق و برق عرفان‌های بدلی، گسترده‌گی فوق‌العاده‌ای دارند و به سبب تأثیر روانی شدید بر مخاطب، گاه او را ناخواسته به سمت خود سوق می‌دهند.

بروجردی پس از دستگیری، خود را فریب‌خوردهٔ ضد انقلاب خارجی دانسته و تأکید نموده که نوری زاده در تماس‌های متعدد با وی، او را به استقامت تحریک کرده است.

تکالیف وارسته می‌پندارند و در واقع، شریعت را وسیله رسیدن سالک به مرتبه شهود و وصول می‌دانند که پس از وصول به حق، از انسان کامل، ساقط می‌شود.^{۱۰}

به ادعای اینان، فقط مبعوثین به رسالت و مأمورین به تربیت خلق، موظف به انجام دستوره‌های دینی هستند!

ادعای ارتباط با حضرت

حجت (عج)

دعوی ارتباط با امام زمان (عج) و نایب خاص آن حضرت بودن در دوران غیبت کبری به حربه‌ای مؤثر در دست سودجویان تبدیل شده است.

علی محمد باب، از نمونه‌های بارز این امر است که با ادعای باب حضرت مهدی (عج) بودن، فرقه بابیت را بنیان گذاشت و پس از یافتن پیروانی، پا را فراتر نهاد و ادعای مهدویت، پیامبری و حتی الوهیت کرد! البته از آنجا که ادعای خدا و پیامبری و حضرت حجت (عج) بودن در میان مردم مقبولیت کمتری دارد، اغلب عارف‌نمایان، خود را رابط مردم و امام زمان (عج) معرفی می‌کنند. این در حالی است که والاترین و مشهورترین عرفای شیعه نیز هرگز چنین ادعایی نداشته‌اند و به رغم وجود ارتباط با حضرت صاحب‌الزمان (عج) آن را از مردم و اطرافیان پنهان نگه می‌داشتند.

دست‌یابی آسان به مقامات عرفانی

دعویان‌های بدلی

«یکی از بهترین راه‌ها و شیوه‌ها برای ارضای بدلی خواست عرفانی این

مدعیان دروغین عرفان که به خوبی می‌دانند برای جذب مردم به مذاهب اختراعی خویش، نباید به زور متوسل شوند، با این تبلیغات گسترده به تحقق اهداف خود می‌پردازند. جوانان ظاهربین نیز فریفته همین ظواهر شده، به آسانی در دام بدعت‌گذاران دینی گرفتار می‌گردند؛ اما «عارف حقیقی که تنها به منظور دست‌یافتن به اسرار حقیقت، مراتب تزکیه و تصفیه نفس را طی کرده»^{۱۱} به دنبال تظاهر و شهرت یافتن نیست و ترجیح می‌دهد تا در خلوت خود، از انس با معشوق خویش لذت برد.

در میان بزرگان تشیع، بسیاریند عارفانی که به مقام‌های عالی عرفانی دست یافتند، بی‌آن‌که حتی یک نفر از مردمان عصر حیاتشان، نامی از ایشان بدانند. سید بحر العلوم، سید بن طاووس، مقدس اردبیلی، شیخ جعفر کاشف العطاء و... به مقامات والای عرفان رسیده بودند، بی‌آن‌که نام عارف بر خود نهاده و ادعایی داشته باشند.

اصل مشترک میان عارفانی که حجاب‌های دنیوی را کنار زده و به مقام کشف و شهود رسیده‌اند، این است که: آن‌که را اسرار حق آموختند مهر کردند و دهانش دوختند بر این اساس، کسانی که با تبلیغات گسترده، ادعای عرفان خود را در گوش جهان فریاد می‌کنند و می‌کوشند عواطف مردم و به ویژه جوانان را به خویش معطوف کنند، هیچ نسبتی با عرفای جام حق نوشیده ندارند؛ زیرا:

عارفان که جام حق نوشیده‌اند رازها دانسته و پوشیده‌اند

اظهار تقید شدید عارف‌نمایان به زهد و شریعت

برخی عرفای دروغین، در آغاز برای جلب توجه و عواطف دینی مردم، تظاهر به دینداری می‌کنند. حتی عده‌ای از شیادان دین‌ساز، پا را از این فراتر می‌نهند و به سبب اطمینان مردم به قشر روحانیت، خود را ملبس نموده و با ظاهری روحانی، درس خوانده یا نخوانده، اموری را به نام دین به مردم القا می‌کنند.

نمونه بارز این امر، سید علی محمد باب و یکی از مریدانش به نام میرزا حسین علی نوری (ملقب به بهاء...) هستند. این دو، سال‌ها به تحصیل علوم حوزوی مشغول بودند و پس از تشکیل فرقه‌های ساختگی، علم خود را لدنی معرفی و ادعا کردند که هیچ یک از علوم را در جایی نیاموخته‌اند!^{۱۲} در این میان، برخی مدعیان عرفان، حتی این زحمت را هم به خود نمی‌دهند و بدون هیچ‌گونه بهره‌مندی از آگاهی‌های اولیه دینی، به اغفال جوانان می‌پردازند. جالب‌تر این‌که پس از رسیدن به کمال (!) خود را از همه قیدها و

اغلب عارف‌نمایان، خود را رابط مردم و امام زمان (عج) معرفی می‌کنند. این در حالی است که والاترین و مشهورترین عرفای شیعه نیز هرگز چنین ادعایی نداشته‌اند و به رغم وجود ارتباط با حضرت صاحب‌الزمان (عج) آن را از مردم و اطرافیان پنهان نگه می‌داشتند.

اگر رسیدن به مقام اولیای الهی، به این آسانی ممکن است، چرا اولیاء... راه یک‌شبه را رها کرده، و در تمام عمر به ایجاد مقدمات و رفع موانع سیر و سلوک و ریاضت و ذکر و... می‌پردازند؟!

است که به مردم بقبولانند که می توان از راه های بسیار سهل و ساده و با تلاش و کوشش اندک به مقام های عالی عرفانی دست یافت... آن راه این است که با یک قطب و اصل الی ... بیعت کنید و دست در دست او بگذارید. تنها با یک دست دادن و دست بوسیدن، همه مسائل حل می شود و تمام درهای عالم معنا و ملکوت و بهشت بر روی شما گشوده می شود! نیازی نیست سال ها ریاضت بکشید و خود را به رعایت واجبات و محرمات و اجرای دقیق ضوابط و احکام شرع ملتزم سازید.^{۱۱}



این ادعای مضحک در تقابل کامل با باور بزرگان و مشاهیر عرفان اسلامی قرار دارد که معتقدند پیمودن این مسیر و رسیدن به اوج مقام های عرفانی، همچون کندن کوه با مژگان چشم است! کوهی را با مژه کندن کجا و یک شبه عارف شدن کجا؟!

اگر رسیدن به مقام اولیای الهی، به این آسانی ممکن است، چرا آن ها راه یک شبه را رها کرده، و در تمام عمر به ایجاد مقدمات و رفع موانع سیر و سلوک ریاضت و ذکر و... می پردازند؟! مگر نه آن که ایمان، ثبات، نیت، صدق، انابه و اخلاص، پیش نیازهای

اساسی سیر و سلوک الی ... هستند^{۱۲} و عالم خلوص، به تنهایی دارای چهل منزل می باشد؟^{۱۳} حقا که نابرده رنج گنجی میسر نخواهد شد.

تشویق جوانان به تن پروری

ایادی استعمار که در پس پرده نمایش عرفان های بدلی، به عروسک گردانی مشغولند و اهداف خویش را دنبال می کنند، بیش از هر چیز بر آنند تا گرایش های دینی و عرفانی مردم را از مسیر صحیح اسلامی، منحرف کنند و توطئه دوری مردم از سیاست و حرکت های اجتماعی و روحانیت و دامن زدن به ولنگاری جوانان را تحقق بخشند.

عرفان های ساختگی استعمار، انسان فطرتاً خداجو را به ذکرهای دروغین می گمارد تا با سیاست و اجتماع بیگانه و از آن ها جدا باشد. در این دین و عرفان بدلی، جماعت روحانی، قشری معرفی می شوند که بویی از عرفان که روح دین است، نبرده اند و فقط به مشتی واجب و مستحب مشغولند.

این جماعت، وارد شدن مردم در مسائل سیاسی و اجتماعی را مصداق دنیاگرایی و غفلت از یاد خدا می دانند. حال آن که سیاست در تعریف حقیقی خود، هدایت کننده مردم جامعه به سوی عالی ترین هدف های مادی و معنوی است و به تعبیر علامه جعفری رحمته الله علیه «یکی از عبادات بزرگ انسان ها، فعالیت سیاسی می باشد»^{۱۴} عارف واقعی همچنین ضمن برقراری ارتباط با خدا، با کوشش و تلاش، گنج گرانمایه وجودش را نیز مورد بهره مندی قرار می دهد. «اساسی ترین مختص زندگانی عرفانی، کار و تلاش پیگیر در این دنیا است... از دیدگاه عرفان مثبت، رکود وجود انسانی در دنیا، از نظر ارزش گذاری برتر از نیستی است»^{۱۵} در حالی که در عرفان های بدلی، افراد به بهانه ذکر و عزلت نشینی از تلاش و کوشش و حتی جهاد که جزء فروع دین است، معاف می شوند! بی گمان، این تضاد فاحش میان دستورات مکتب های ساختگی عرفانی با دستورات

عرفان برخاسته از شریعت، شهادی بر انحراف آن مکاتب است؛ چرا که همه جانبه نگری و مطابقت با شریعت از ویژگی های عرفان های صحیح می باشد.^{۱۶} همچنان که خواجه عبدالله انصاری در مقدمه کتاب منازل السائرین، دومین شرط طی نمودن صحیح بلایات را متابعت از سنت و شریعت ذکر نموده و انجام هر عملی را منوط به ذکر آن در سنت می داند.^{۱۷}

«عرفان تحت تأثیر مواد مخدر و رقص های صوفیانه... و تا صبح خواندن شعر و گوش دادن به موسیقی و سماع و رقص و از حال رفتن و آن گاه تا ظهر خوابیدن و فرار از بحث های عقلانی و گریز از سیاست»^{۱۸} چه ارتباطی می تواند با عرفان واقعی داشته باشد؟!

سوء استفاده عارف نمایان از احساسات

در عرفان های کاذب، عارف (!) با قلب و احساسات ارتباط دارد و با منطق و عقل بیگانه است. بدیهی است که عقل و منطق، سلاح خواص است و عوام مردم با احساسات رابطه بیش تری دارند. از این رو سخنی در آنان مؤثرتر

سید بحر العلوم، سید بن طاووس، مقدس اردبیلی، شیخ جعفر کاشف العطاء و... به مقامات والای عرفان رسیده بودند، بی آن که نام عارف بر خود نهاده و ادعایی داشته باشند.



جالب‌تر این که پس از رسیدن به کمال (!) خود را از همه قیدها و تکالیف وارسته می‌پندارند و در واقع، شریعت را وسیله رسیدن سالک به مرتبه شهود و وصول می‌دانند که پس از وصول به حق، از انسان کامل، ساقط می‌شود.

است که موافق با خواهش‌های قلب باشد. بر این اساس، کلام عارف دروغین رقیق و لطیف بوده و با خوش‌آهنگی بر دل‌های خام می‌نشیند و عواطف رقیق جوانان را برمی‌انگیزد.^{۱۹} سر و کار عارف کاذب با احساسات قلبی، جلوه‌های دیگری نیز دارد. از جمله این که برخی عارف‌نمایان در مقابل جوانانی که عقده حقارت دارند، از جا برخاسته و آن‌ها را تعظیم می‌کنند و با همین فریب آن‌ها را در دام خود می‌اندازند؛ اما عارف حقیقی همه مردم را به یک چشم می‌نگرد.

ادعای کشف اسرار ناگفتنی که جز با پیمودن راه آنان، دیدنی نیست

مدعیان دروغین مقامات عالی عرفان، با آگاهی از علاقه عوام به دست یافتن به اسرار ماورای طبیعت، ادعا می‌کنند به اسراری پی برده‌اند که قادر به بیان نیستند و هر که خواهان رسیدن به این مراتب است، باید راه آنان را بییماید. بدین ترتیب، عده‌ای را مرید خود کرده، در پی خویش می‌کشانند.

با تأملی کوتاه و دوباره بر روندی که گفته آمد، می‌توان دریافت که چرا برخی از مدعیان عرفان بدلی و شیادان عرصه معنویت، دکان چند نبش خود را هر روز بهتر از دیروز می‌آریند و دل بی‌آلایش و پاک نسل جوان را با نیرنگ و فریب و در درخشش فریبنده ظاهر آراسته خود، می‌ربایند. به راستی چه تجارتي آسوده‌تر و کم مشغله‌تر از تجارتي که با تجویز کلمه و ذکر و دعایی دروغین، منفعتی فراوان را نصیب تاجران شیاد آن می‌سازد؟!

پی‌نوشت‌ها

۱. این مطالب از دو پایگاه خبری Sharifnews و Aryanews برگرفته شده است.
۲. محمدتقی مصباح یزدی، در جستجوی عرفان اسلامی، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۸۶، صص ۲۹ - ۳۱.
- ۳ و ۴. لسان الغیب حافظ شیرازی.
۵. رک: سیدمحمدحسین طباطبایی، شیعه در اسلام، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۱۰۶.
۶. رک: در جستجوی عرفان اسلامی، همان، ص ۲۹۹.
۷. همان، ص ۹۵.
۸. عطاء... تالدین، جلوه‌های تصوف و عرفان در ایران و جهان، انتشارات تهران، چاپ اول، ص ۵۷۰.
۹. در جستجوی عرفان اسلامی، همان، ص ۹۸.
۱۰. جواد تهرانی، عارف و صوفی چه می‌گویند؟ بنیاد بعثت، چاپ هشتم، ۱۳۶۹، ص ۳۷.
۱۱. در جستجوی عرفان اسلامی، همان، ص ۹۲.
۱۲. خواجه نصیر الدین طوسی، آسان‌ترین راه برای سیر و سلوک و تهذیب نفس، بازنویسی سیدمحمدرضا غیائی کرمانی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی حضور، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۲۵.
۱۳. سید بحر العلوم، رساله سیر و سلوک، به کوشش رضا استادی، انتشارات هجرت، ص ۸۶.
۱۴. محمدتقی جعفری، عرفان اسلامی، مؤسسه نشر کرامت، چاپ دوم، ص ۱۰۵.
۱۵. همان، ص ۸۷.
۱۶. در جستجوی عرفان اسلامی، همان، ص ۱۳۶.
۱۷. خواجه عبدالله انصاری، منازل السائرین، با شرح کمال‌الدین عبدالرزاق قاسانی، انتشارات بیدار، ۱۳۸۱، ص ۱۸.
۱۸. سیدسعید لوسانی، عرفان حقیقی، عرفان دروغین، ماهنامه پرسمان، شماره ۳۴.
۱۹. عارف و صوفی چه می‌گویند؟ همان، ص ۳۵.